

حکم محرمیت و حرمت نکاح ام‌الزوجه که دخترش از طریق لقاح مصنوعی تولد یافته

□ کاظم صالحی*

چکیده

یکی از مسایل مطرح شده در باب نکاح، حکم محرمیت و حرمت نکاح با ام‌الزوجه ی است که از طریق تلقیح مصنوعی صاحب دختر شده از دیدگاه فقهای فریقین می‌باشد، که یک مسأله نوپیدا است. فقهای امامیه مسأله لقاح مصنوعی را با توجه به شرایطی که در این باب معتبر است، قایل به جواز آن شده‌اند، آن شرایط عبارتند از اینکه یک: لقاح بین زن و مرد بدون دخالت بیگانه باشد، دو: تلقیح اسپرم مرد به زوجه یا حلیله آن باشد نه زن اجنبیه. زنی ملقوحه را که از این طریق صاحب فرزند شده است مادر شرعی کودک می‌دانند، هم بر صاحب رحم و هم بر صاحب تخمک می‌توان مادر اطلاق کرد. در نتیجه کودک که از این طریق به دنیا آمده است اگر دختر باشد و با مردی ازدوج نماید، مادر این دختر برای شوهر او محرم و نکاح با او حرام می‌باشد. بعضی از علمای اهل سنت نیز در این مسأله با توجه به شرایط فوق، قایل به جواز تلقیح مصنوعی شده‌اند، حنفی‌ها در این مسأله قائل به اباحه هستند، شیخ عبد السلام العبادی حنبلی می‌نویسد: با عنایت به اطلاق دستور این آیه «الْمَأْ وَ الْبُنُونََ زَيْتَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» باید هر نوع باروری و فرزندآوری مجاز تلقی شود؛ لذا وی مادر زن مصنوعی را مادری شرعی دانست، اثر شرعی دارد یعنی محرم است شوهر دختر مصنوعی نمی‌تواند با وی ازدواج کند، طنطاوی نیز می‌نویسد: صاحب رحم مادر زن مصنوعی و مادر شرعی زن خواهد بود، ولی از نظر ایشان این عمل بر خلاف عادات طبیعی است؛ تعزیر دارد، دیگر اختلال در خانواده

و نسب وارد نمی‌باشد. در تلقیح زن به غیر اسپرم شوهر، امامیه: در صورت عمد بعید نیست که منسوب به هردو باشد. پس مادر زن مصنوعی به این قول مادر حساب می‌شود. فاضل لنکرانی جایز ندانسته است. اهل سنت حنفیه و شافعیه تلقیح زن به غیر اسپرم شوهر را حرام و گناه بزرگ دانسته‌اند. گروهی از علمای عامه لقاح مصنوعی را مطلقاً جایز ندانسته‌اند و عکس العملی بسیار تند از جانب آنها ابراز شده است، عبد‌العزیز بن باز حنبلی، ابراهیم بن موسی شاطبی و احمد ریسونی، محمد بن صالح العثیمن، از مفتیان و عضو «هیئت کبار العلماء» در ریاض و رئیس دپارتمان عقاید دانشگاه محمد بن سعود، خواستار اعدام مجریان تلقیح مصنوعی به عنوان محارب شده و کمترین کیفر آنان را بریدن دست و پای آنان به شکل ضربداری دانسته‌اند. بنابراین از بیان این دو فقیه نامدار مالکی نیز استفاده می‌شود، که قائل به مادر بودن مادر زن مصنوعی نیست؛ زیرا آنها لقاح مصنوعی را مخالف اهداف ادیان بویژه اسلام می‌داند، ولی «این نظریه را قبل از آنها فقیهانی چون غزالی، جوینی و آمدی مطرح نموده بودند.

کلیدواژه‌ها: محرمیت، حرمت، ام‌الزوجه، لقاح مصنوعی.

مقدمه

از دیدگاه اسلام زنان از لحاظ محرمیت، حرمت نکاح احکام خاصی دارن، یکی از زنانی که درجوامع اسلامی محرمیت و حرمت نکاح با آن مورد سؤال قرار می‌گیرند، مادرزن می‌باشد. باتوجه به مسائل جدید و نوپیدا مثل رحم مصنوعی یا اجاره ای، لازم است حکم محرمیت و حرمت نکاح با مادرزن که دخترش از طریق لقاح مصنوعی بوجود می‌آید، ازدیدگاه فقهای فریقین، مورد بررسی قرارگیرد. لذا در این مقاله به دنبال این مسئله هستم که حکم محرمیت و حرمت نکاح با مادرزن که دخترش از طریق لقاح مصنوعی بوجود می‌آید، ازدیدگاه فقهای فریقین چیست؟

مفاهیم

الف) **مَحْرَمِ دَرَلِغَت**: مَحْرَم به فتح میم وراء درلغت به خویشاوندان واقاربی گفته می‌شود که ازدواج کردن با او حلال و روانباشد، و به آن زن «ذات رحم مَحْرَم» گفته می‌شود؛ آن که نکاح با او روانباشد. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۲۲/۳) و **دراصطلاح فقها**: محرم به کسی گفته می‌شود که به دلیل محرم بودن و خویشاوندی، از زنان و مردان ازدواج کردن با او و تمتع از او جایز نیست. و محرم به کسی گفته می‌شود به سبب رضاع، شیرخوردگی و یا مصاهره با او ازدواج روانباشد. (سعدی، ۱۴۰۸: ۸۷).

ب) حرمت: درلغت به معنای آن چیزی است که هتک و شکستن آن حلال نباشد. (فیومی، ۱/۲) **دراصطلاح**، حرمت، حکم شرعی تکلیفی است که قانون‌گذار با جعل قانون، ترك متعلق آن را به طور الزامی از مکلف خواسته است و به هیچ روی، به فعل آن راضی نمی‌گردد، به گونه‌ای که بر ترك آن پاداش و بر فعل آن عقاب و کیفر مترتب نموده است؛ مانند: حرمت شراب‌خواری و قماربازی. (پژوهشگاه علوم و فرهنگ) **ام الزوجه: درلغت**: کلمه النخته به معنی ام الزوجه می‌باشد. (زهری، ۱۴۲۱: ۱۳۳/۷). نیز در تاج العروس گفته است: **الْحَتَّة** به فتح به معنی ام الزوجه است. (زیبیدی، ۱۴۱۴: ۱۷۴/۱۸) **دراصطلاح**: الحماة، جمع آن حموات است حماة الرجل به معنای مادرزن می‌باشد، در عربی ام الزوجه وام المرثه می‌گویند. بالمنااسبة فقهای اسلامی به مادرشوهر زن، حماة المرثه گفته‌اند. (فرهنگ ابجدی، ۳۴۲). **الْحَتَّة** (موسی، ۱۴۱۰: ۱/۳۰۵).

و) لقاح در لغت: به آب نراز حیواناتی از قبیل شتر و اسب گویند و لقاح مصدر لقح می‌باشد، لقحت الناقة؛ یعنی شتر حامله شد. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۷/۳). ابن منظور نیز لقاح را به معنای "ماء الفحل" یعنی مایع و آب نرینه دانسته است، در اصل کلمه "لقح" به معنای آبستن شتر وضع شده است ولی در مورد زنان هم به کار رفته است. (ابن منظور، ۵۷۹/۲). **در اصطلاح:** باتوجه به رویش‌های گوناگون تلقیح مصنوعی، می‌توان تعریف زیر را یک تعریف کامل دانست: تلقیح مصنوعی عبارت است از آمیختن اسپرم مرد و تخمک زن در بدن (in vivo) یا خارج از بدن (in vitro) به کمک ابزار پزشکی و بدون نزدیکی طبیعی. (رضا نیا، ۱۳۸۳: ۳۲۵). بنابراین ماده لقح، بطور کلی و بدون هیچ قیدی، برآستن دلالت می‌کند.

در این مقاله آنچه که مورد بررسی قرار می‌گیرد دو مطلب است.

اولاً: اینکه اگر زنی وقتی چنین نطفه‌ی را در رحم خودش پرورش داده و تحویل جامعه انسانی داده است، مادر قانونی و نسبی وی حساب می‌شود یا نه؟

ثانیاً: در مورد کسی که از این طریق صاحب دختر می‌شود، این دختر را به چه کسی نسبت بدهیم صاحب نطفه، صاحب تخمک، هردو یا هیچکدام، و به زنی که از این طریق صاحب دختر می‌شود مادر زن در شرع گفته می‌شود یا نه؟ در این باره به اقوال علماء و دانشمندان دینی باید مراجعه نمود که این دختر را به مادری که او را به دنیا آورده است، نسبت می‌دهند یا نه؟

بنابراین پس از شناخت معانی واژه‌های مربوط به بحث، ما حکم محرمیت و حرمت نکاح با مادر زن که از طریق لقاح مصنوعی صاحب فرزند شده است در ضمن دودیدگاه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) دیدگاه امامیه

مهم‌ترین مسأله‌ی که لازم است در اینجا مطرح شود این است که **اولاً:** فقها مسأله لقاح مصنوعی را جایز می‌دانند یا نه. **ثانیاً:** زنی ملقوحه مادر شرعی کودک است یا نه، فقهاء در باره حکم این مسأله، با توجه به صور و فرضیه‌های متعددی که در این راستا متصور است، دیدگاه‌های مختلفی دارند که بعضی‌ها باتوجه به اموری که در این باب شرط می‌باشد قایل به جواز تلقیح مصنوعی

حکم محرمیت و حرمت نکاح ام الزوجه که دخترش از طریق لقاح مصنوعی تولد یافته ۵

شده‌اند، بعضی‌ها در این مسأله قایل به تفصیل شده‌اند و بعضی در این مسأله به صورت مطلق قایل به منع شده‌اند، که به جهت اختصار چند نمونه آن را یادآور می‌شویم.

۱- قائلین به جواز

علمای امامیه با توجه به اموری که در این باب شرط می‌دانند، با تحقق این شرایط قایل به جواز تلقیح مصنوعی شده‌اند.

الف) لقاح بین زن و مرد بدون دخالت بیگانه باشد

ملاک منع یا جواز، ترکیب اسپرم مرد و تخمک زن با عدم دخالت بیگانه است و شیوة بکارگیری، هیچگونه تأثیری در جواز یا حرمت ندارد از این گروه‌اند: امام خمینی (ره) (خمینی، ۱۴۲۴: ۲/ ۹۰۰) مرحوم منتظری (منتظری، ۱۴۲۷: ۹۸). مرحوم خوبی^۱ (خویی، ۱۴۱۰: ۱/ ۱۲۸). و... پس این گروه زنی را که از طریق لقاح مصنوعی دارای فرزند می‌شود، بدون شک مانند مادر شرعی؛ یعنی مادر نسبی، سببی و رضاعی، مادر می‌دانند.

ب) عمل لقاح در خارج از رحم باشد

عمل لقاح و اختلاط اسپرم و تخمک در خارج از مهبل صورت گرفته؛ در رحم خانم همان مرد گذاشته شده در این صورت این دختر به دنیا آمده منسوب به این مرد و زن می‌گردد با چند شرط:

۱ - زوج زنده باشد، ۲ - برای به دست آوردن اسپرم و تخمک از مقدمات حرام استفاده نشده باشد؛

۳ - خود شوهر برای این عمل اقدام نماید.

در این صورت فقیه بزرگوار آقای مکارم شیرازی (مد ظله) می‌فرماید: ذاتاً جایز است زیرا عنوانی حرامی وجود ندارد؛ زیرا هیچ عملی حرامی صورت نگرفته است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷:

۱/ ۴۶۵). ج) تلقیح اسپرم مرد به زوجه یا حلیله آن باشد

مادر بودن دختری که از زن دیگر یا حلیله‌ی که لقاح صورت گرفته از اینکه اسپرم مال شوهر شان است علماء امامیه برای جواز و عدم جواز نظرات تقریباً واحدی داده‌اند ولی در مادر بودن این زن اختلاف دارد که بعد پرداخته می‌شوند.

مرحوم امام خمینی در تحریر الوسیله: «تلقیح نطفه مرد به زوجه اش بدون اشکال جایز است، هر چند احتراز از حصول مقدمات حرام واجب است؛ مثل اینکه تلقیح کننده بیگانه باشد یا تلقیح مستلزم نگاه کردن به آنچه که نظرشان جایز نیست، شود یا اینکه منی را به طرز حرام در آورد، فرزند آنها می‌باشد؛ اگر چه به جهت ارتکاب حرام گنهکار می‌باشند.» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۴/۴۷۱).

مرحوم آقای خوئی نیز در مستحدثات المسائل آورده است: «يجوز تلقیح الزوجة بنطفة زوجها؛ نعم لا يجوز ان يكون المباشر غير الزوج اذا كان ذلك موجباً للنظر الى العورة او مسّها و حكم الولد منه حكم سائر اولادهما بلا فرق.» (خوئی، ۱۳۵۴: ۴۲-۴۳). مرحوم فاضل لنکرانی می‌فرماید: «انتقال جنین به رحم زن در صورتی بی اشکال است که جنین از اسپرم مردی تشکیل شده باشد که شرعاً شوهر زن باشد. (همان: ۵۵۶). فتاوی فقهای عظام مانند: مرحوم سید محمد رضا موسوی گلپایگانی (موسوی گلپایگانی، ۸۸)، آقای صانعی (صانعی، ۱۳۸۳: ۲۴۲)، محمد مؤمن (مؤمن قمی، ۱۳۷۴: ۴)، سید صادق روحانی (دام ظلّه) (روحانی، ۱۳۸۲: ۳۳۲). و محمدی یزدی (دام عزه) (یزدی، ۱۳۷۵: ۵۰۶). این نظریه را تأیید می‌کنند. (صمدی ابهری، ۱۳۸۲: ۱۰۰). مرحوم آقای گلپایگانی؛ در این مورد فرموده است: «برحسب مستفاده از ادله شرعی نطفه مرد به هر نحو که در رحم حلیله خود قرار بگیرد، جایز است. (گلپایگانی، مجمع المسائل، قم، دفتر آیه الله حاج شیخ حسین ایوبی، ۱۳۷۶). از نظر ایشان مادر دختر محسوب می‌شود؛ زیرا هیچگونه حرمتی رؤیت نمی‌شود. ولی در این صورت باید، دانست که مادر واقعی این دختر زنی است که صاحب تخمک می‌باشد و خانم که جنین در رحم او رشد کرده و به دنیا آمده می‌تواند مانند مادر رضاعی حساب شود.

دلیل قائلین به جواز

دلیل جواز این نوع باروری آن است، که نطفه از اسپرم و تخمک زوجین بسته شده و تنها لقاح از راه غیر معمول بوده است و دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد، اصل برائت عقلی و شرعی نیز بر جواز آن دلالت دارد. (مؤمن، ۱۴۱۵: ۸۰). و هیچ عنوانی از عنوانات حرام مانند: زنا، یاریختن در رحم حرام صادق نیستند. (یزدی، ۱۳۷۷: ۱۲).

برای مانعین مطلق از علماء اهل سنت، شبهاتی است که برای آنها پیش آمده‌اند. (عذاری،

۱۴۲۹: ۹۸-۹۲). (د) تلقیح زن به اسپرم غیر از شوهر

در این صورت مسأله دو فرض دارد:

۱- اینکه از روی عمد باشد: مرحوم امام خمینی؛ در جواب استفتاء لقاح در بیمارستان اشتباه شده، اسپرم مرد اشتباه در رحم زن دیگر تلقیح شده؛ جواب داده است: «در این فرض بی شک فرزندی به صاحب منی ملحق می‌گردد؛ و حکم این مسأله مانند وطی به شبهه است. لیکن اگر این تلقیح آگاهانه و عامدانه صورت گرفته باشد، باز بعید نیست که فرزند به صاحب منی ملحق گردد و همه احکام نَسَب حتی ارث میان آنها ثابت گردد؛ زیرا آنچه از ارث استثناء شده است، فرزند زنا است... این مسأله حکم زنا را ندارد. همچنین این فرزند در هر دو فرض به مادرش ملحق می‌گردد و هیچ فرقی میان او و دیگر فرزندان نیست. (توضیح المسائل، ۱/۲، ۹۰۸). مرحوم فاضل لنکرانی، استفتاء نطفه مرد در غیر همسرش با تلقیح آزمایشگاهی آن، و پرورش در رحم زن دیگر (اعم از محرم و یا غیر محرم) را جواب داده است: «جایز نیست» (لنکرانی، ۱/۵۶۸). ۲- اینکه از روی اضطرار باشد: اگر اینکار صورت نگیرد منجر به جدایی و طلاق و... باشد.

تلقیح مصنوعی "هترو لوگ" زمانی ضرورت می‌یابد که زن استعداد باروری دارد، ولی شوهر توان تولید اسپرم کافی را ندارد در اینصورت به اندازه نیاز یا کامل اسپرم مرد بیگانه به طریق مجاز پزشکی و انجام شستشو و دفع زوائد به رحم زن انتقال می‌یابد تا لقاح در لوله رحم صورت پذیرد. این صورت در بین فقهاء اسلام موافقان اندک و مخالفان زیاد دارد که به تحلیل و بررسی آدله آنها پرداخته می‌شود.

امامیه این صورت را حرام دانسته‌اند جز در موارد اضطرار مانند: طلاق، نزاع و زندگی دشوار را عنوان نموده جایز دانسته‌اند.

مکارم شیرازی (دام ظلّه) می‌فرماید: «اما اگر تلقیح‌کننده همسر شرعی آن زن نباشد، هر چند تلقیح در این صورت ذاتاً اشکالی ندارد؛ ولی به خاطر نگاه و لمس حرام جز در موارد ضرورت جایز نمی‌باشد (مثلاً در مواردی که نداشتن فرزند، مشکل بزرگی در زندگی آنها ایجاد کند). و در حالت عادی باید از آن اجتناب گردد». (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۲۶). ایشان در جواب این سؤال - شوهر نطفه ندارد و همسرش سالم نطفه دار است، با نطفه مرد اجنبی را با نطفه این زن شوهردار مخلوط کرد و به رحم این زن تزریق نمود - فرموده است: «جایز نیست».

(مکارم شیرازی، ۱/ ۴۶۵). مرحوم فاضل لنکرانی فرموده است: «قرار دادن جنین متکون از

نطفه‌ای غیر زوج در رحم زن

اجنبیه جایز نیست؛ خصوصاً اگر مستلزم ارتکاب خلاف شرع باشد». (لنکرانی، ۵۶۷). ۲-

(مادر واقعی صاحب تخمک است یا آنکه زاده

از نظر پزشکی به اثبات رسیده که منشأ پیدایش و سلول سازنده‌ی جنین از ناحیه مادر، تخمک زن است، بر اساس آخرین اطلاعات پزشکی، «رحم زن در تغذیه، رشد و حفظ جنین نقش‌های متعددی ایفا می‌کند، ولی نقشی نخستین در پیدایش و حتی تکامل جنین ندارد؛ زیرا کودک محصول تخمک زن است». (غفاری، ۱۳۸۲: ۹). برخی براین است که «مادر تنها صاحب رحم است یعنی زنی که کودک را به دنیا آورده باشد. (محقق داماد، مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین (میزگرد) بولتن تولید مثل و نازایی، ویژه‌نامه سمپوزیوم هرچند آیه شریفه به حصر اضافی مقید، شده است مطلقاً زنانی را که می‌زایند مادر می‌داند؛ فرق فقهاء ائمه در این نظر هستند که مادر اصلی جنین صاحب تخمک را می‌دانند. بنا براین دختری که از تخمک زنی به دنیا آمده دختر وی حساب می‌شود به شرط که مقدمات حرام مانند زنا و یا مانند آن، وجود نداشته باشد، این گروه (علامه حلی، ۳/ ۴۳؛ تبریزی، ۳۶۲). برای تأیید نظریه خود به این آیه شریفه استدلال می‌کنند «إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَوَلَدْنَهُمْ». (مجادله: ۲)؛ مادران آنها تنها کسانی هستند که اینان را زاده‌اند.

مرحوم امام خمینی در رساله عملیه: «کودک به صاحب تخمک و رحم ملحق می‌شود و الحاق

آن به صاحب نطفه هم بعید نیست ولی از او ارث نمی‌برد. (توضیح المسائل (محشی)، ۲/ ۹۰۸).

مرحوم فاضل لنکرانی فرموده است: «فرزند به مادر ملحق است و تمام احکام مادر و فرزند مترتب می‌شود». (لنکرانی، ۲/ ۵۶۶). از فقهاء معاصر آقای خامنه‌ی (دام‌ظله) که قائل به این دیدگاه هستند می‌فرماید: «بچه متعلق به مرد وزن صاحب نطفه است». (خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ۲/ ۱۲۷۵). آقای صافی (دام‌ظله) می‌فرماید: «فرزند متعلق به صاحبان نطفه است ولی ارث بردن ولد از صاحب نطفه محل اشکال است». (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۱/ ۵۳). آقای مکارم شیرازی (دام‌ظله) استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست و تولد فرزند باید مستند به از دواج صحیح شرعی باشد، ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلق به صاحبان نطفه است و نسبت به مادری که در رحم او کاشته شده، نیز محرم می‌باشد، بدون آن که از او ارث ببرد». (مکارم شیرازی، ۴۶۶).

مرحوم گلپایگانی در این مسأله چنین می‌فرماید: مادر صاحب تخمک است، اما پدر بودن وقتی است که صاحب اسپرم از نطفه خویش اعراض نکرده باشد. (موسوی گلپایگانی، ۱۳۸۸: ش ۶۸، ۱۶۰).
مرحوم آقای بهجت: در جواب استفتاء - فرزندی که با استفاده از تلقیح مصنوعی در دستگاه، پرورش یافته متعلق به کیست - آورده است: «متعلق به صاحب نطفه و صاحب تخمک است».
(بهجت، ۱۴۲۸: ۴/۳۲). برخی صاحب تخمک و صاحب رحم هر دو، مادر مشروع تلقی می‌شوند دلیل اینها روایات وارده مبنی بر مادر بودن صاحب رحم، به موارد انصراف دارد که رحم زن یکی از دو رکن تشکیل دهنده جنین است؛ زیرا یکی به وجود آورنده تخمک و دیگری پرورش و تولد آن را عهده دار بودند. بنا بر این این کودک باید دو مادر داشته باشد. (رضا نیا معلم، ۱۳۸۳: ۳۲۵). جمع بندی: بنابراین از مطالب گذشته حکم این قسمت به روشنی دانسته می‌شود کسانی که صاحب تخمک را مادر می‌دانند؛ شوهر دختر مصنوعی برای صاحب تخمک [که مادر زن است] این دختر به وجود آمده است، محرمیت ثابت و به او محرم می‌شود؛ زیرا مادر دختر مصنوعی مادر زن وی به حساب می‌آید و شرعاً مادر زن محرم بوده ازدواج به آن حرام می‌باشد البته از خودشرایطی دارد. فقها در این مسأله می‌گویند:

یک: لاقح خود زوج باشد و مقدمات حرام هم نیز وجود نداشته باشد، شرعاً مادر بودن ثابت می‌شود که در این مسأله از فقهای عظام شیعه: مرحوم امام خمینی (تحریر الوسیله، ۹۰۸/۴؛ همو، توضیح المسائل (محشی) ۹۰۸/۲). مرحوم منتظری (منتظری، پیشین، ۸۹). مرحوم خویی (خویی، همان: ۴۲-۴۳). مرحوم فاضل لنکرانی (جامع المسائل، ۲/پیشین، ۵۶۶). مرحوم گلپایگانی (-، موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، پیشین). شیخ یوسف صانعی (صانعی، استفتانات پزشکی، پیشین، ۲۴۲). محمد مؤمن (مؤمن قمی، مجله فقه اهلیت، پیشین). محمد یزدی (دام ظلّه) (یزدی، فقه اهلیت، شماره ۵۰۶، سال دوم، ۱۳۷۵: ۱۲۵). و سید صادق روحانی (دام ظلّه) (روحانی، ۱۳۸۲: ۳۳۲). اتفاق نظر دارند بر این که، زنی را که لقاح در رحم او صورت گرفته، مادر می‌دانند.

دو: لاقح خود زوج عمل لقاح بیرون رحم انجام شود، مکارم شیرازی: «ذاتاً جایز است» (مکارم شیرازی، استفتانات جدید، پیشین، ۴۶۵). اثر شرعی را دارد.

بنا بر این از دیدگاه این فقها استفاده می‌شود که مادر زن مصنوعی مادر شرعی بوده وقتی مادر باشد اثری شرعی را دارا است. وقتی کودکی از لقاح مصنوعی به دنیا بیاید دختر باشد

شوهر کند شوهر این دختر با مادرش نمی‌تواند از دواج کند؛ زیرا زنی که عهده دار لقاح بوده مادر زن وی می‌باشد.

ب) دیدگاه فقهای عامه

فقهای عامه در این رابط دیدگاه‌های گوناگونی دارند که بعضی قایل به جواز تلقیح مصنوعی شده‌اند و بعضی هم مطلقاً آن را جایز ندانسته‌اند از آن جا که بنا بر اختصار است چند نمونه آن را یاد آور می‌شویم

۱- قایلین به جواز

۱-۱) لقاح بین زن و مرد بدون دخالت بیگانه

الف) حنفی‌ها: لقاح اسپرم مرد در رحم همسرش به غیر جماع حنفیه قائل به اباحه هستند و آن را حلال می‌دانند: مصطفی زرقاء: «ممکن نیست این صورت مثل زنای حقیقی مباشر باشد، چون در آن رکن معروف زنا که دخول و مباشرت است نیست. و ممکن نیست که قائل - به استحقاق به حد زنا که شرع در حالت زنای حقیقی واجب دانسته - شویم، فقط این عمل چون ممنوع بوده اگر انجام شود مستوجب تعزیر است». (الزرقاء، بی تا: ۲۸۱). **ب) حنبلی‌ها:** عبد السلام العبادی می‌نویسد: «نازایی یکی از موارد ضرورت می‌باشد لذا کسی که می‌گوید درمان نازایی ضرورتی ندارد، در واقع از اوضاع و احوال دهشتناک خانواده‌هایی که یکی از زوجین یا هر دو نابارور هستند، بی اطلاع‌اند در حالی که ما شریعت اسلام را داریم که مسلمانان را به ازدیاد نسل و فرزندآوری تشویق کرده است. لذا با عنایت به اطلاق این دستور «الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۱۸). باید هر نوع باروری و فرزندآوری مجاز تلقی شود». (قربانی، ۱۳۸۶). عبد السلام العبادی مادر زن مصنوعی را مادر می‌داند؛ زیرا وی عقیده دارد که مال و فرزند طبق صریح قرآن زینت برای زندگی دنیا است. بنا بر این زندگی بدون اولاد زینتی برای انسان و خانواده‌ها وجود ندارد.

طنطاوی: «این عمل زنا محسوب نمی‌شود و حد براو جاری نمی‌گردد چون اقامه حد شرعی دارد. که اینجا محقق نشده است ولی تعزیر می‌شود». (طنطاوی، بی تا: ۱۰۳). وی در جای دیگر این عمل را حرام می‌داند «و العلة فی التحريم اختلاط الانساب». (عوده الله، همان:

۱۶۱). علت اصلی در تحریم مخلوط شدن نسب‌ها است». لذا وقتی از او در باره مشروعیت لقاح برون رحمی (IVF) پرسیده می‌شوند آن را مشروع دانسته چنین استدلال می‌کند «الأصل أن الاختلاط الأنساب حرام... فالذی یحدّد الحلال و الحرام هنا هو ما إذا كانت هذه الوسيلة تؤدّ إلى اختلاط الأنساب أم لا؟». (مصباح، همان: ۴۹). «اصل این است که اختلاط انساب حرام است... وآن چیزی که در اینجا حلال و حرام را محدود می‌کند، این است که این روش [لقاح خارج رحم] منجر به اختلاط انساب می‌شود یا نه؟».

بنابراین از دیدگاه طنطاوی وقتی لقاح داخل رحم باشد صاحب رحم مادر زن مصنوعی، مادر شرعی خواهد بود؛ زیرا هرچند نسبت زنا به این عمل از دیدگاه ایشان داده نشده است. تنها چیزی که نظر ایشان است، اینست که این عمل بر خلاف عادات طبیعی است؛ تعزیر دارد دیگر اخلال در خانواده و نسب وارد نمی‌باشد. ولی ایشان از دیدگاه دیگر صاحب رحم را مادر نمی‌داند؛ زیرا چون اختلاط انساب است حرام است.

۱-۲) تلقیح اسپرم مرد به زوجه یا حلیله آن باشد

مثلاً اسپرم مرد با تخمک زن اول لقاح شود بعداً به رحم زوجه دوم یا کنیزی همان مرد گذاشته شده پرورش یافته باشد.

در این فرض علمای اهل سنت دو دسته شده‌اند، عده‌ای برای تأمین مصلحت و استوار ماندن بنیان خانواده و مانند آن، این عمل را جایز نمی‌دانند. (خالد منصور، ۱۴۲۰: ۸۴). درمقابل اینها نظر مخالفین آنها است که این زن دوم یا کنیز را مادر نمی‌دانند؛ زیرا اختلاط نسب از طرف مادر در این فرض وجود دارد؛ حکم به عدم جواز آن می‌دهند. (علی، ۱۴۲۱: ۲/ ۸۱۸).
۱-۳-) لقاح به غیر اسپرم زوج

الف) حنفی‌ها: شیخ عطیه صقر عالم حنفی سلفی می‌نویسد: «اگر تلقیح مصنوعی به غیر اسپرم زوج باشد، چه با رضایت او باشد چه نباشد، حرام است؛ چون فرزند مرد دیگر است و از خانواده شمرده نمی‌شود اما تلقیح با داخل کردن فرد غریبه در خانواده صورت زنا را جمع می‌کند که انساب با آن مخلوط می‌شود روابط ضعیف شده و حقوق ضایع می‌شود و حسد و کینه را در دلها می‌کارد و اگر صورت تلقیح با صورت زنا مختلف نبود، حدی که

برای زنا مقرر شده به این تلقیح هم واجب می‌شود». (مجله الامه القطریه، ۵۱۸، نقل مطلب بررسی حقوق کودک ناشی از تلقیح مصنوعی). دکتر یوسف قرضاوی (<http://www.valiasr.com>) می‌نویسد: «این کار مخالف سنت ازدواج می‌باشد». (قرضاوی، ۲۰۰۴: ۲۲۲). **ب) شافعی‌ها:** محمود شلتوت: «تلقیح با اسپرم مرد اجنبی انسان را از سطح انسانی خارج می‌کند و این عمل از نظر شریعت گناه بزرگ است با زنا در یک چارچوب قرار می‌گیرد و حقیقتشان و نتیجه‌شان یکی است چون قرار دادن اسپرم مرد اجنبی است در رحمی که بین آن دو ارتباط به سبب عقد زوجیت شرعی نیست اگر در صورت جریمه کوتاهی نبود حکم تلقیح در این حالت حکم زنا می‌شود». (شلتوت، بی تا: ۳۲۸).
۲- مانعین لقاح مصنوعی:

گروهی از علمای عامه لقاح مصنوعی را مطلقاً جایز ندانسته‌اند و عکس‌العملی، بسیار تند و خشن از جانب آنها ابراز شده است، تا جایی که تلقیح مصنوعی را محارب دانسته‌اند و خواستار اجرای حد محارب بر کسانی شدند که دست به آزمایش‌هایی از این قبیل می‌زنند محمد بن صالح العثیمین، از مفتیان و عضو «هیئة کبار العلماء» در ریاض و رئیس دپارتمان عقاید دانشگاه محمد بن سعود، خواستار اعدام مجریان تلقیح مصنوعی به عنوان محارب شده و کمترین کیفر آنان را بریدن دست و پای آنان به شکل ضربداری دانسته‌اند. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۸۴). **الف) حنبلی‌ها:** عبد‌العزیز بن باز، وی از کسانی است که «خواستار اعدام مجریان تلقیح مصنوعی به عنوان محارب شده و کمترین کیفر آنان را بریدن دست و پای آنان به شکل ضربداری دانسته‌اند». (همان). **ب) مالکی‌ها:** ۱- ابراهیم بن موسی شاطبی ۲- احمد ریسونی: «اهداف اساسی ادیان الهی» از جمله اسلام "حفظ پنج مقصد اساسی زندگی: یعنی دین، عقل، نفس، مال، و نسب انسانها است». (زرکلی، ۲۰۰۲: ۷۵/۱). از بیان این دو فقیه نامدار مالکی نیز استفاده می‌شود، که قائل به مادر بودن مادر زن مصنوعی نیست؛ زیرا آنها لقاح مصنوعی را مخالف اهداف ادیان بویژه اسلام می‌داند، ولی «این نظریه را قبل از آنها فقیهانی چون غزالی، جوینی و آمدی مطرح نموده بودند». (ریسونی، ۱۳۶۷: ۱۴-۱۳). **ج) شافعی‌ها:** دکتر نصر فریدکه از مفتیان مصر می‌باشد وی اصلی را نقل کرده که کودک از لقاح مصنوعی (شبهه‌سازی) را جایز نمی‌داند بنا بر این مادر این دختر از دیدگاه ایشان مادر نمی‌باشد

وی می‌گوید: «ما به کارگیری شبیه‌سازی را حتی در معالجات پزشکی و نازایی حرام می‌دانیم؛ زیرا این موجب تشکیک در دین و اعتقادات ما می‌شود». (طلاب و دانشجویان، ۱۳۸۴: ۲/ ۴۲).
دلیل قایلین به عدم جواز لقاح مصنوعی
علماء اهل سنت دو دلیل بر عدم جواز آورده‌اند، به ادله‌ی با موضوع ما ارتباط دارد اختصاراً
پرداخته می‌شود:

۱- اختلاط انساب اسلام برای اینکه انساب خدشه دار نشود، نکاح استبضاع (اسلامی، همان). که در دوره جاهلیت بود؛ حرام و نیز تعیین عده برای زن مطلقه ناشی از اهتمام اسلام به حفظ نسب و پیشگیری از خلط نسب است. ولی شبیه‌سازی انسانی این هدف اساسی را از میان برداشته است، طنطاوی در این باره می‌گوید: «علت در حرمت مخلوط شدن نسب‌ها است»، (همان: ۱۰۳). تنها دلیلی که غالب فقهای اهل سنت بر این موضع پای فشاری نموده‌اند این است که شبیه‌سازی انسان به دلیل آن که موجب خلط نسب می‌شود، حرام و از نظر اسلام ممنوع است. (همان: ۱۴۶).

۲- از اینکه آمیزش جنسی نبوده، نمی‌تواند تشخیص داد که کودکی از این راه به دنیا آمده به که نسبت داد به زنی که صاحب تخمک، رحم، همین‌طور پدر، برادر، خواهر و سایر انساب.
(همان) اشتراکات و تفاوت‌ها دیدگاه فریقین:

در تلقیح اسپرم مرد و تخمک زن اول به رحم زن دوم یا کنیزی و امامیه پذیرفته و اهل سنت دو دسته شده‌اند شافعی‌ها مباح دانسته و حنبلی‌ها از راه ضرورت جایز می‌دانند و مفتی مصر دکتر فرید جایز نمی‌داند پس مادر زنی مصنوعی از نظر ایشان مادر شرعی نمی‌باشد.

در تلقیح زن به غیر اسپرم شوهر - امام خمینی: در صورت اشتباه مانند وطی به شبهه است فرزند منسوب به پدر و مادر است ولی در صورت عمد فرمود: بعید نیست که منسوب به هر دو باشد. پس مادر زن مصنوعی به این قول مادر حساب می‌شود. فاضل لنکرانی جایز ندانسته است. اهل سنت شیخ زرقاء حنفی و شیخ طنطاوی نزدیک به زنا موجب تعزیر دانسته و شیخ عطیه سلفی حرام و حد زنا را برای وی واجب دانسته است.

مکارم شیرازی می‌گوید: مفاسد زنا را ندارد، در صورت اضطرار جایز دانسته است.
مانعین مطلق علمایی اهل سنت می‌باشند و برخی از آنها دستور مجازات سختی داده‌اند.

قائلین می‌گویند: هیچ عنوان حرام را ندارند و به اصل برائت شرعی و عقلی تمسک نموده‌اند. دیدگاه اهل سنت عده جایز می‌دانستند وعده دیگر منع کرده‌اند با دلیل شان آورده شد. در قسمت دوم: از نظر لغت مادر زن مصنوعی از غیر اسپرم شوهر بار دار شده، مادر نیست؛ زیر اخویشاوندی نیست.

از نظر پزشکی، مادر آن کسی است که جنین را به وجود آورده است رحم زن در تغذیه، رشد و حفظ... مؤثر است.

از نظر عرف عرف، مادر کسی است که رابطه جنسی با شوهر شرعی برقرار کرده باشد.

نظریه فقهاء درباره زنی که از طریق لقح مصنوعی دارای دختر شده است

۱- مادر زن مصنوعی، مادر است؛ زیرا او دختر را به دنیا آورده است؛

۲- صاحب تخمک مادر است آیت الله بهجت؛

۳- هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم مادر است؛

۴- هیچ کدام مادر نیست؛ زیرا خصوصیت کامل مادر شدن را ندارند؛

۵- هر دو مادر رضاعی است؛

۶- صاحب تخمک وقتی مادر است بعد از تولد شیر به شرایط رضاع داده باشد؛

۷- اگر قبل از ولوج روح به رحم دوم انتقال داده شده، مادر است و بعد از ولوج روح

صاحب تخمک مادر نیست.

آنچه از مطلب اول لقاح و دوم نسب به دست می‌آید مادر زن مصنوعی، مادر می‌باشد ولی

در صورت که بعد از تولد شیر نخورده باشد یا بعد از ولوج روح انتقال به رحم پیدا کرده باشد

باید احتیاط شود؛ زیرا شرعاً مادر نخواهد بود.

بنابراین، پس از در نظر گرفتن ادله مربوط به بحث به این نتیجه می‌رسیم که طفل با هر دو

زن بستگی دارد و نمی‌شود یکی را کنار نهاد و دیگری را به عنوان «أم» اخذ کرد؛ پس، هم بر

صاحب رحم و هم بر صاحب تخمک می‌توان مادر اطلاق کرد.

کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، دار صادر، بیروت- لبنان، اول، بی‌تا.
- ابوحیب، سعدی، القاموس الفقہی لغة واصطلاحا، دارالفکر- دمشق، ۱۴۰۸ق.
- احمد، ریسونی، اهداف دین از دیدگاه شاطبی و احمد ریسونی، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ابهری، سید محمد علی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۳۶۷.
- احمدبن محمد مقری، فیومی، المصباح المنیر، منشورات دار الرضی، قم- ایران، اول، بی‌تا.
- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، معاونت پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پ ۳۸۹ش.
- تبریزی، شیخ جواد، صراط النجاة و صراط النجات فی أجوبة الإستفتائات (مجموعه استفتائات آیه الله خویی و آیه الله شیخ جواد تبریزی)، قسم اول.
- حسین علی، منتظری، احکام پزشکی، نشر سایه، قم، ۱۴۲۷ق.
- خلیل بن احمد، فراهیدی، العین، هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
- خیر الدین، زرکلی، در الأعلام، بیروت، دار العلم للملایین، بی‌جا، ۲۰۰۲م.
- الدکتور عبد الهادی مصباح، الاستنساخ بین العلم و الدین.
- رضا نیا معلم، محمد رضا، باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم، انتشارات بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۳، به نقل از: مجله حقوقی دادگستری.
- روحانی، محمد صادق، استفتائات (پرسش و پاسخهای مسائل شرعی)، تهران، حدیث، دل، ۱۳۸۲ش.
- ریاض احمد، عوده الله، الاستنساخ فی میزان الاسلام.
- سعید الکاظم، عذاری، التلقیح الصناعی بین العلم و الشریعة، قم، مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۲۹ق.
- سید ابوالقاسم، خونی، مستحدثات المسائل، مطبعة الآداب، بغداد، ۱۳۵۴.
- سید حسن، اسلامی، شبیه سازی انسان از دیدگاه کلامی اهل سنت، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۴.

- سید روح الله، امام خمینی، تحریر الوسيله، قم، انتشارات اسلامی، نوزدهم، ۱۳۸۰.
- سید علی اکبر، خویی، منهاج الصالحین، مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق.
- سید علی، حسینی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، تهران: انتشارات هدی، پنجم، ۱۳۸۲.
- سید محمد رضا موسوی، گلپایگانی، مجمع المسائل، ۱۳۸۸.
- سید روح الله موسوی، خمینی، توضیح المسائل (محشی)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴.
- طلاب و دانشجویان، محدثه پزشکی، تهیه و تحقیق دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۴.
- علی، الأم البدلیة رؤیة الإسلامیة دراسة الفقهیة فی قضایا طبیة معاصرة، اردن، دار النفائس، ۱۴۲۱ ق.
- فتح الله، قربانی، اخویان، محمد علی، رضایی، الهام، حکم اهدای جنین از منظر فقه مذاهب اسلامی، کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۶.
- فخر المحققین، علامه حلی، ایضاح الفوائد، مستحدثات المسائل،
- لطف الله، صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، قم، انتشارات حضرت معصومه، ۱۴۱۹ هـ ق.
- محمد بن محمد، مرتضی زبیدی، تاج العروس، دارالفکر - بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- محمد تقی، بهجت، استفتاءات، دفتر حضرت آیه الله بهجت، ۱۴۲۸ ق.
- محمد رضا، رضا نیا معلم، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم، انتشارات بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۳.
- محمد رضا، گلپایگانی، مجمع المسائل، قم، دفتر آیه الله حاج شیخ حسین ایوبی، ۱۳۷۶.
- محمد رضا، موسوی گلپایگانی، به نقل: امامی، اسد الله، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، تهران، اول، مؤسسه حقوق تطبیقی.
- محمد هاشم، صمدی ابهری، نسب شناسی از لقای مصنوعی در حقوق ایران و اسلام، تهران، کتابخانه گنج دانش، اول، ۱۳۸۲.
- محمد، احمد، سید طنطاوی، المدخل الی فقه الإسلامی قاهره، بی جا، بی چا، بی تا.

حکم محرمیت و حرمت نکاح ام‌الزوجه که دخترش از طریق لقاح مصنوعی تولد یافته □۱۷

محمد، خالد منصور، الاحكام الطيبة الجابري الجديد في الفتاوى الشرعية، بيروت دار
النفايس، بی‌چا، ۱۴۲۰ق.

محمد، مؤمن قمی، سخنی در باره تلقیح، مجله فقه اهلبیت، شماره ۴، سال اول،
زمستان ۱۳۷۴.

محمد، مؤمن، کلمات سدیة فی مسائل جدیدة، قم مؤسسه النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
محمد، یزدی، بارورهای مصنوعی و حکم فقهی آن، تهران، فقه اهلبیت، شماره ۵۶، سال
دوم، ۱۳۷۵.

محمد، یزدی، ثلاث رسائل فقهیه، قم، پیام مهدی، اول، ۱۳۷۷.

محمدبن احمد، ازهری، تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ق.

محمدفاضل موحدی، لنکرانی، جامع المسائل، انتشارات امیر قلم، یازدهم، قم- ایران.
مصطفی احمد، الزرقاء، به نقل از: غانم، عمر بن محمد بن ابراهیم، احکام الجنین فی الفقه
الاسلامی.

معرفت، غفاری، روش‌های پیشرفته در درمان نازایی، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولید
مثل انسان از دیدگاه فقه و حقوق (جمعی از نویسندگان)، انتشارات پژوهشکده‌ی ابن سینا و سازمان
سمت، دوم، ۱۳۸۲.

موسی، حسین یوسف، الافصاح فی فقه اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.

ناصر، مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، انتشارات مدرسه‌ی امام علی ابی طالب، ۱۴۲۷ق.
ناصر، مکارم شیرازی، حیل‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح، انتشارات مدرسه‌ی الإمام
علی بن ابی طالب، ۱۴۲۸ق.

یوسف، صانعی، استفتائات پزشکی، قم، میثم تمار، ۱۳۸۳ش.

یوسف، قرضاوی، الاستنساخ البشري و تداعياته، و استنساخ البشر و رأی القرضاوی فيه،
الاستنساخ بین العلم و الدین و حمیش، عبد الحق، قضایا فقهیه معاصره، الجامعة الشارقة،
بی‌چا، ۲۰۰۴م.

